

## «لک» نام مجموعه طوایف گر ساکن در همدان و مرکزی و قم بوده است

عیسی قائد رحمت

منابع مکتوب تاریخی نشان می دهند که نام «لک» برای چند طایفه گر ساکن قلمرو عراق عجم و علیشکر (استان های مرکزی، همدان و قم امروزی) استفاده می شده است و نباید آن را با کاربرد امروزی این واژه که شامل مردم هرو، دلفان، سلسله و طرهان می شود خلط کرد.

**این مطلب در شماره ۴۳۵ هفته نامه سیمره (مورخ ۱۰ دی ۱۳۹۶) چاپ شده و اینک در نشریه اینترنتی لور (loor.ir) بازنشر می گردد.**

در مقاله قبلی دیدیم که برای ساکنان مناطق سلسله و دلفان و هرو و هلیلان از نام «لر فیلی» استفاده می شده است و این مردم در واقع جمعیت اصلی «لرستان فیلی؛ پیشکوه و پشتکوه» را تشکیل می داده اند، در سفرنامه های ایرانیانی که به این مناطق رفت و آمد داشته اند عنوان «لک» برای مردم این مناطق کاربردی نداشته است (نشریه سیمره شماره ۴۳۰ سال چهارم/به تاریخ چهارم آذر ۱۳۹۶، صفحه ۴). بنابراین در این مقاله منظور از لک مردم سلسله و دلفان و هرو نیست بلکه جمعیت خیلی کمتری از لرهاست که در استان های مرکزی و همدان و قم (سرزمین تاریخی عراق عجم) زندگی می کنند و در تاریخ به اسم «لک» یا «لک و زند» مشهور بوده اند.

جمعیت لک ها در قیاس با فیلی ها حدود یک بیستم بوده و یا به عبارتی مردمی که در تاریخ اسم لک داشته اند نسبت به جمعیت فیلی ها، حدود پنج درصد<sup>۱</sup> بوده اند. این که چگونه واژه لک از اقلیت ساکن در استان های مرکزی، همدان و قم به گروه اکثریت فیلی، ساکن در سلسله و دلفان و هرو اطلاق شد مبحثی است که در مقالات بعدی به آن پرداخته خواهد شد، در این مقاله بازشناسی و تعیین حدود لک در استان های مرکزی، همدان و قم مورد بحث است.

در زمان قبل از زندیه هم جمعیتی از لرها در مناطق عراق عجم و قلمرو علیشکر ساکن بوده اند<sup>۲</sup> و منابعی مانند تاریخ عالم آرای عباسی (که در زمان صفویه نوشته شده) در صفحه ۲۷۵ به وجود لرها در قلمرو علیشکر اشاره داشته و از لفظ الوار قلمرو علیشکر نام می برد.

در شرف به قدرت رسیدن کریم خان زند، این لران به همراه بسیاری از طوایف لر، برای حمایت کریم خان زند به مناطق فارس کوچ کردند. بعد از سقوط سلسله زندیه، بسیاری از این طوایف به مناطق اولیه خود یا به مناطقی دیگر مهاجرت دوباره کرده اند. در این میان، به مجموعه طوایف لری که از فارس به مناطق شمالی عراق عجم (استانهای مرکزی و قم و همدان) کوچ اجباری داده می شوند "لک" می گفتند. در این مقاله به منابعی که تا زمان قبل از مشروطه به لک بودن لرهای عراق عجم<sup>۳</sup> و قلمرو

علیشکر<sup>۴</sup> اشاره کرده اند می پردازیم ناگفته نماند محدوده لرستان فیلی (که شامل مناطق سلسله و دلفان و هرو می باشد) کاملاً از مناطق عراق عجم و قلمرو علیشکر (که در فلات مرکزی ایران جای دارند) جدا هستند<sup>۵</sup>

**الف - میرزا محمدحسین مستوفی :** مستوفی یکی از اولین کسانی است که به مسئله تعلق نام لک به لرهای ساکن در همدان، مرکزی و قم پرداخته است. او در رساله کوتاهی تحت عنوان «آمار مالی و نظامی ایران در سال ۱۱۲۸ یا تفصیل عساکر فیروزی مآثر شاه سلطان حسین صفوی» به مسائل قومی ایران پرداخته است. این رساله در شماره بیستم مجله فرهنگ ایران زمین، و قسمتهایی از آن در کتاب قوم لر امان الهی بهاروند(ص ۱۴۰) چاپ شده است. تاریخ بررسی این رساله اگر چه مربوط به دوره انتهای صفویه است اما در بطن رساله (صفحه ۴۱۸ مجله) اسامی شاهان قاجار مانند فتحعلی شاه قاجار هم دیده می شود، پس این رساله را باید در زمره منابع دوره قاجار به حساب آورد.

در این رساله بیلاق و قشلاق لک و زند را نه در لرستان فیلی بلکه در کوهستانهای عراق تا قلمرو علیشکر معرفی می کند. در کتاب عالم آرای عباسی که در همان ایام زندگی مستوفی نوشته شده، تصریح شده که حدود لرستان فیلی با حدود ولایت عراق عجم و قلمرو علیشکر از هم جدا و البته همسایه هستند، با یک تحقیق کوتاه می توان محدوده عراق عجم<sup>۳</sup> و قلمرو علیشکر<sup>۴</sup> را پیدا کرد. (نک: اسکندر بیک ترکمان ۱۳۸۲: ۴۶۹ و پانویس شماره ۵ همین مقاله).

در فرهنگ معین واژه «عراق» را به طور کلی سلطان آباد، (نام سابق اراک امروزی) معنی کرده است (فرهنگ معین. جلد ۵، ص ۱۱۶۶). همچنین به طور کلی منظور از علیشکر هم شهر همدان است پس محل سکونت لک در اصل بین همدان تا اراک بوده است. او جماعت لر را در چهار گروه معرفی می کند. اول فیلی. دوم لک و زند. سوم بختیاری و چهارمی ممسنی است. بنابراین او لک را یکی از گروههای لر می داند که جدا از فیلی ها می باشند. قلمرو و سرزمین فیلیها، در تاریخ همواره مناطق سلسله و دلفان و هرو و پشتکوه... بوده است که از مناطق عراق عجم کاملاً جدا می باشند.

مستوفی در ادامه می نویسد: «قلعه بیرسه قریب کزاز جای نشیمن بزرگان آنهاست [لک هاست]. محمد کریم خان و محمد زکی خان و صادق خان هر سه برادر پسران عیناق از این طایفه اند. اکثر کوهستان عراق [اراک] تا قلمرو علیشکر [همدان] بیلاق و قشلاق آنهاست» (به نقل از مجله فرهنگ ایران زمین/ جلد بیستم سال ۱۳۵۳). که باز مناطق معرفی شده به عنوان مسکن لک هاشامل «سلسله، دلفان و هرو» نمی شود.

ب - دانیل. تی پاتس تی . پاتس، هم در کتابش همین تقسیم بندی را با اقتباس از کتاب تاریخی "تحفه شاهی" اثر مهدی علی خان با قدری خلاصه گویی بیان می کند او در کتابش جدولی از شاخه های لر ترسیم می کند و در این جدول هم لرها به چهار گروه اصلی فیلی، لک و زند، بختیاری، ممسنی تقسیم می شوند که محل سکونت لک و زند، در استان همدان (علیشکر) درج شده است. در جدول تی. پاتس به خوبی تصریح شده که لک ها و فیلی ها از هم جدا بوده و در دو خانه

جدا از هم در جدول قرار دارند (پاتس ۲۰۱۴: ۲۴۹). در این جدول لکها نه در استان لرستان بلکه در استان همدان مسکن دارند. به هر صورت درج جدول و گزارش تحفه شاهی توسط دانیل تی پاتس، حکایت از تأکید و تأیید گفته های تحفه شاهی است. (پاتس ۲۰۱۴: ۲۴۸-۲۵۰).

ج - غلامحسین افضل الملک: افضل الملک هم در کتابش این قضیه را بیش از دیگران تشریح کرده است. کتاب او با عناوین مختلفی مانند تاریخ و جغرافیای قم، سفرنامه قم چاپ شده است. بخشهایی از کتاب که به انحصار لک در قم پرداخته، در صفحات ۱۸۰ تا ۱۸۳ کتاب قوم لر (امان اللهی بهاروند) نقل شده است.

افضل الملک چنین می نویسد: «.. اما ایلات دارالایمان قم، اصل آنها از مملکت فارس است، در عهد خاقان شهید آقا محمد شاه قاجار آنها را کوچاند در قم مسکن دادند. اینها هفت طایفه می باشند که جزء زند محسوب می شوند، و هر دسته ای را به اسامی مختلف می نامند». در صفحات بعدی نام این هفت طایفه را ۱- زندیه. ۲- گائینی (قائینی). ۳- سعدوند. ۴- عبدلملکی. ۵- لشنی. ۶- کرزبر [کرزبر]. ۷- کلهر، ذکر کرده و در صفحات بعدی کتابش به شرح مفصل هر کدام از آنها می پردازد. اما آنچه که به این مبحث مربوط می شود مربوط به لک بودن و جایگاه آنهاست. افضل الملک در صفحه ۷۶ کتابش (نقل از صفحه ۱۸۰ کتاب امان اللهی) تصریح می کند که این هفت طایفه جزء زند هستند و «بیشتر اینها به طایفه لک مشهورند». و در ادامه می نویسد: «.. و بعضی دیگر از این طوایف در قلعه جات حومه شهر منزل دارند و اکثر اوقات چادرها در بیابان بر سر پا کرده احشام و اغنام بسیاری دارند بیلاق آنها در نزار جزو عراق<sup>۳</sup> [اراک] و محلات است و قشلاق آنها در نواحی قم است که تا سه چهار فرسخ چادر بر پا کرده زندگانی می کنند.» ملاحظه می شود که افضل الملک هم محل سکونت لک را در استان مرکزی از شهر اراک و محلات تا نواحی قم ثبت کرده است. البته او در شرح مفصل هر طایفه از لک، محدوده آنها را تا ساوه و فراهان پیش می برد.

د - عزت الله نوذری: دکتر نوذری از معدود کسانی است که در زمینه زند و لک در استان مرکزی، تحقیقات نسبتاً جامع ای را انجام داده اند. او تحقیقات خود را در مکتوبی به اسم "ایلات و کولیهای استان مرکزی" و بخشهایی از آن را با عنوان "پژوهشی پیرامون ایل زند در استان مرکزی" در شماره چهاردهم فصلنامه "تحقیقات جغرافیایی" به چاپ رساندند.

در صفحه ۱۱۴ این فصلنامه دکتر نوذری بر اساس تحقیقات چندین ساله اش چنین نوشته است: «هنوز سه روز از مرگ کریم خان زند نگذشته بود - ۱۳ صفر ۱۱۹۳ هجری - که بازمانگان و خوانین زند در ستیز خونینی با یکدیگر باعث انهدام قدرت ایل زند شدند و این امر راه را برای به قدرت رسیدن آغا محمد خان قاجار هموار کرد. وی در ابتدا بسیاری از افراد ایل زند را به اطراف قم تبعید کرد که از آن زمان تا کنون به نام لکها و یا زندها همچنان به صورت نیمه کوچرو و یا اسکان یافته، در بعضی موارد با حفظ ویژگیهای نظام عشایری، در اطراف شهرستان قم، ملایر، فراهان، اطراف اراک، راونج، قلعه چم، نزار، مجدآباد، حصارسرخ، خرم آباد، حاجی آباد، حسین آباد، ونارج پراکنده اند.» بنابراین دکتر نوذری هم تصریح کرده اند که ایل زند و مجموعه طوایف وابسته به آن توسط آغا محمد قاجار به اطراف قم، کوچ داده شده اند و از آن زمان تا حالا به اسم لک می باشند. دکتر نوذری در ادامه مطلب مانند افضل الملک مجموعه ایلات زند و لک را هفت تا معرفی می کند که شامل: ۱- عبدلملکی. ۲- گائین. ۳-

مرشوند. ۴- آروند. ۵- سعادت‌مند. ۶- امام‌قلی وند. ۷- زکی وصفی می باشند. جالب اینکه طوایف عبدالملکی و گائینی عیناً همان چیزی است که در گزارش افضل الملک آمده است. و طایفه سعادت‌مند احتمالاً همان طایفه سعدوند باشد. سایر طوایف هم ممکن است دستخوش تحولات و تغییرات روزگار شده اند.

ه - پاورقی نویسنده کتاب تاریخ کلام الملوک : کتاب تاریخ کلام الملوک در سال ۱۲۵۶ هجری قمری توسط یوسف لاهیجی (به نقل از مجله یادگار، شماره هفتم، ۱۳۲۳) تألیف شده و قسمت هایی از این کتاب خطی در مجله یادگار شماره هفتم چاپ شده است. نگارنده کتاب تاریخ کلام الملوک در پاورقی صفحه ۶۰ مجله، در شرح اوضاع شهریار زند کریمخان و توضیح بیشتر عبارت لک می نویسد: « لکها از طایفه خود وی [کریم خان زند] بودند و اینان دو تیره اند یکی لک و دیگری زند، که آنها را زندلکی و اصطلاحاً زندلکی گویند و الان هم در اطراف عراق [عراق عجم] و سلطان آباد [اراک امروزی] مشغول حشم داری می باشند.» ملاحظه می شود که این کتاب هم، لکها را بخشی از ساکنان اراک و نواحی عراق دانسته است و می دانیم که اراک و عراق عجم از لرستان فیلی جدا هستند.

و - محمود میرزا قاجار: کتاب محمود میرزا تنها منبعی است که در برشمردن مسکن طوایف لک از «دلفان» در کنار مناطق علیشکر و عراق نام برده است. محمود میرزا از فرزندان فتحعلی شاه قاجار است که زمانی حاکم لرستان فیلی بوده است او در صفحه ۱۶۷ کتاب عهد حسام می نویسد: « .. باید دانست که طایفه پیشکوه لرستان درست کردارتر... و خوش احوالترند. صافی و صادق می باشند. و اغلب از این طوایف به مرور به عراق و فارس و در بلاد ایران رفته اند مجاورند.» در این جا، جمله به وسیله یک نقطه تمام شده اعلام می شود. و در جمله بعدی می گوید: «شهر نهاوند، همدان، تویسرکان، کرمانشاه، ملایر و استرآباد [احتمالاً اسدآباد] و این طایفه دلفان را لک می گویند که سبب اغلبشان در این خاک [منظورش استان همدان و کرمانشاه] شاه عباس صفوی شد.»

متأسفانه مرحوم ایرج افشار این قسمت را خیلی بد ویرایش کرده اند او با قرار دادن حرف ربط (در) در ابتدای جمله، این گونه القاء کرده اند که فقط دلفان لک است در حالی که می بینیم، محمود میرزا در ادامه جمله از عبارت جمع "اغلبشان" برای ذکر شهرهای یاد شده استفاده می کند. اگر منظور محمود میرزا، از لک، فقط دلفان می بود در این صورت نباید عبارت جمع اغلب یا اغلبشان را به کار می برد. به هر حال محمود میرزا در صفحات دیگر کتابش اهالی سلسله و هرو و طرحان (که همزمان دلفان می باشند) را لر فیلی دانسته پس اگر منظورش از لک بودن دلفان، زبان مردم دلفان می بود پس باید مردم سلسله و هرو و طرحان را هم لک معرفی می کرد آنچه مسلم است این است که او گستره لک در استان همدان و مرکزی را قدری باز تر تصور کرده به نحوی که دلفان را هم در بر می گرفته است.

به هر حل اصل موضوع این است که محمود میرزا هم گستره لک را نه در استان لرستان بلکه بیشتر در استان همدان می دیده است. به عبارتی کل شهرهای استان همدان و شهر کرمانشاه را لک دانسته است و در مقابل، اکثریت اهالی لرستان را لر فیلی معرفی کرده است.

Table 7.2. Groups of Iranian origin according to TŠ

| Tribe | Division     | Families (lak) | Summer and winter pastures or main residence   |
|-------|--------------|----------------|--|
| Lurs  | Feyli        | 35             | From Khorramabad to within three days' journey of Baghdad and from there to Huwayza in western Khuzestan       |
|       | Lak and Zand | 1.5            | Hamadan province (Ali Shakar)  |
|       | Bakhtiyari   | 22             | From Kuhgiluyeh and the outskirts of Isfahan to Shushtar and from there to Behbahan, both mountains and plains |
|       | Mamasani     | 2              |  |

جدول دانیل. تی پاتس و طبقه بندی لرها

### نتیجه گیری

منابع مکتوب تاریخی نشان می دهند که نام «لک» برای چند طایفه لر ساکن قلمرو عراق عجم و علیشکر (استان های مرکزی، همدان و قم امروزی) استفاده می شده است و نباید آن را با کاربرد امروزی این واژه که شامل مردم هرو، دلفان، سلسله و طرهان می شود خلط کرد. مردمی که امروزه لک زبان نامیده می شوند در منابع تاریخی به عنوان «لرهای فیلی» معرفی شده اند و با نام لک شناخته نمی شده اند. این پرسش که چرا و چگونه نام لک که در اصل نام طوایف لر ساکن در استان های مرکزی، همدان و قم بوده، امروزه برای گروه اکثریت مردم لرستان فیلی (لک زبانان) استفاده می شود می تواند دست مایه تحقیقات دیگری باشد.

### توضیحات:

۱ - در آمار مستوفی و دانیل تی. پاتس. لک و زند، ۱.۵ واحد و فیلی ۳۵ واحد می باشند برای محاسبه درصد، ابتدا ۱.۵ را در ۱۰۰ ضرب کرده و نتیجه را بر ۳۵ یا ۳۶.۵ تقسیم می کنیم که جواب می شود حدود پنج درصد. بنابراین لکهای واقعی پنج درصد فیلهای سلسله و دلفان و هرو بوده اند.

۲ - در عراق عجم اقوام مختلف ترک، لر، فارس و عرب در مقیاس جمعیت خیلی اندک (چند درصد از کل اقوام مربوطه)

سکونت داشته اند که در زمان زندگی به مجموعه طوایف لر آنجا، اصطلاح لک داده بودند که شعبه ای از کل لرها بوده اند.

۳ - فرهنگ معین واژه عراق عجم را این چنین شرح می دهد: «ناحیه ای است در مرکز ایران شامل ایالات و ولایات مرکزی واقع بین اصفهان و همدان و تهران (سازمان صفوی ۲۰۱) و مشتمل بر شهر های ذیل: کرمانشاهان، همدان، ملایر، اراک (سلطان آباد) گلپایگان و اصفهان؛ مقابل عراق عرب. ضح. - اصطلاح عراق عجم در تقسیمات کشوری ایران تا انقلاب مشروطیت معمول بود، و پس از آن نیز در نقشه های جغرافیایی و تقسیمات کشوری باز مورد توجه بود، ولی پس از تقسیم کشور به استانهای مختلف

اصطلاح مذکور متروک گردید.» به نظر می آید بیان افضل المک در مورد حدود عراق دقیق تر باشد او در صفحه ۲۹۸ کتاب افضل

التواریخ می نویسد: «.. عراق عجم به اصطلاح حالیه عبارت از آشتیان و تفرش و گرگان و فراهان و سلطان آباد است ...»

۴ - قلمرو علیشکر: در کتاب جهانگشای نادری صفحه ۷۸۵ چنین نوشته: قلمرو علیشکر همان همدان کنونی است. چون علیشکر بیگ - معاصر شاهرخ بن امیر تیمور - همدان را متصرف شد تا اواخر دوران صفوی ناحیه همدان به قلمرو علشکر معروف بود.

ناصرین میر معصوم در شرح جغرافیای ایران شهرهای قلمرو علیشکر را این گونه توضیح می دهد. « همدان، اسد آباد، خرقان، درگزین، نهاوند، کرمانشاهان، دینور، حوان، کنکور [ کنگاور ]، مایی دشت (ماهی دشت)، سلطان آباد».

۵ - قلمرو علیشکر با قلمرو لرهای فیلی (سلسله و دلفان و هرو) کاملاً از هم جدا بوده اند چنانچه در صفحه ۴۶۹ کتاب عالم آرای عباسی این مسئله به خوبی تصریح و روشن شده است. این کتاب ابتدا مشخص می کند که خواه (همان دلفان) و الشتر (همان سلسله) و صدمره (سیمره) و هذومین (همان هندومین ایلام) مسکن طوایف لر کوچک یا لرهای فیلی است و بعد متذکر می شود که ولایت لرستان با عراق و علیشکر هم مرزند. و صراحتاً می نویسد: «مجملاً طایفه لر کوچک که در ولایت خرماباد و خواه و الشتر و صدمره و هذومین اقامت دارند از قدیم الایام به تشیع فطری و ولای اهل بیت طیبین و طاهرین موصوفند... ولایت مذکور بر جانب جنوبی عراق واقع گشته عرض آن یک طرف به ولایت همدان و قلمرو علیشکر متصل و طرف دیگر بالکاء خوزستان پیوسته طول آن از قصبه بروجرد تا حدود بغداد و سایر محال عراق عرب قریب یک صد فرسخ است...» بنابراین مشخص شده که حدود لرستان فیلی با ولایات سلسله و دلفان از ولایت عراق و قلمرو علیشکر جدا می باشند.

۶ - باید دانست منظور از کلهر ساکن در عراق عجم، آن مردمی نیست که امروزه در لرستان و کرمانشاه زندگی می کنند کلهر ساکن در عراق عجم با کلهر ساکن در لرستان و کرمانشاه کاملاً متفاوت هستند هر چند که در زمانهای خیلی قدیم از لرستان و کرمانشاه به فارس و سپس به عراق عجم کوچ کرده اند. کلهرهای بروجرد که اصالتاً از ساکنان عراق عجم هستند زبان لری ثلاثی دارند. بخشی از طوایف لک در بلاد مرکزی ایران در ایل شاهسون بغدادی قرار گرفته و امروزه زبانشان ترکی است. لازم به ذکر است که طوایف خزل و ترکشوند و غیاثوند، با آنکه در استان همدان و در حاشیه استان لرستان ساکن هستند در مجموعه هفت طایفه لک قدیم قرار نمی گیرند. این طوایف (خزل، ترکشوند و غیاثوند) جزء طوایف لر فیلی به حساب می آیند. زیرا اولاً منابع دسته اول اشاره نکرده اند که این طوایف در مجموعه ایل زند و لک قرار می گیرند دوم اینکه طوایف ترکشوند و غیاثوند منسوب به طوایف سلسله می باشند.

#### منابع:

- ترکمان، اسکندر بیک ۱۳۸۲ / تاریخ عالم آرای عباسی / زیر نظر ایرج افشار / انتشارات امیر کبیر / تهران
- افضل الملک، غلامحسین ۱۳۵۶ / تاریخ و جغرافیای قم / انتشارات وحید / تهران
- افضل الملک، غلامحسین ۱۳۶۱ / افضل التواریخ / به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان / نشر تاریخ ایران / تهران
- افضل الملک، غلامحسین ۱۳۸۴ / سفرنامه قم / انتشارات زائر /
- امان اللهی بهاروند، سکندر ۱۳۸۵ / قوم لر / انتشارات آگاه / تهران
- جان ر. پری ۱۳۶۵ / کریم خان زند / ترجمه علی محمد ساکی / انتشارات فراز تهران

لاهیجی، یوسف ۱۳۲۳ / قسمتهایی از کتاب تاریخ کلام الملوک در مجله یادگار / شماره هفتم، سال ۱۳۲۳ / از صفحه ۵۶ تا صفحه ۶۱

قاجار، محمود میرزا ۱۳۹۰ / عهد حسام / به کوشش ایرج افشار / انتشارات مرکز پژوهشی میراث مکتوب / تهران  
مستوفی، میرزا محمدحسین ۱۳۵۳ / رساله آمار مالی و نظامی ایران در مجله فرهنگ ایران زمین / جلد بیستم سال ۱۳۵۳ / از صفحه ۳۹۶ تا صفحه ۴۲۱

نوذری، عزت الله ۱۳۷۶ / ایلات و کولیهای استان مرکزی / انتشارات نوید / شیراز  
نوذری، عزت الله / مقاله پژوهشی پیرامون ایل زند در استان مرکزی در مجله تحقیقات جغرافیایی / شماره چهاردهم پاییز ۱۳۶۸ / از صفحه ۱۱۲ تا ۱۱۷

ناصر بن میر معصوم / به نقل از مجله تاریخ ایران و اسلام / دانشگاه لرستان / سال اول شماره دوم پاییز و زمستان ۱۳۸۶

Potts, D. T. (2014). *Nomadism in Iran: From Antiquity to the Modern Era*. New York: Oxford University Press.  
Print ISBN-13: 9780199330799